Historical Studies of the Islamic World
Print ISSN: 2383-2134
Online ISSN: 2783-2309
Homepage: https://mte.journals.miu.ac.ir/

# Formation of the tradition of "mojāvera" (neighbourhood) and "mojāverūn" scholars of Mecca (up to the 6th Century AH)

**Fahim al-Sadat Seyedsaleki[1], Masoumali Panjeh[2]✉ and Yones Farahmand[3]**

1.PhD candidate, Department of History & Civilization of Islamic Nations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: fahimsaleki@gmial.com
2.Department of History and Archaeology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: tahherehnazari@yahoo.com
3.Department of History and Archaeology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: farahmand@srbiau.ac.ir

## Article Info

**Article type:**
Research Article

**Article history:**
Received 2 October 2024
Received in revised form 12 December 2024
Accepted 29 January 2025
Available online 29 June 2026

***Keywords***:
Social history of Mecca,
Hajj,
mojāvera/ neighbourhood,
Ulama,
mojāverūn.

## ABSTRACT

"mojāvera" (neighbourhood) was one of the common phenomena and traditions in Islamic holy cities in the first and middle Islamic centuries. The origin of this religious and social tradition was the holy city of Mecca. During this period, many scholars from all over the Islamic world came to Mecca and settled there. When and how was the phenomenon/tradition of proximity formed and spread? This is a question that this article seeks to answer. The city of Mecca, which had a high and important position among the Arabs before the rise of Islam, gained manifold importance in the Islamic period. In addition to the presence of Baitullah Al-Haram, this city was the origin of revelation and also the place of holding rituals and the hypothesis of Hajj. As a result, from the very beginning of Islam, Mecca became one of the main religious and cultural centers of the Islamic world. Many elders of Islam, such as Abdullah bin Abbas, were interested in staying in Mecca, for this reason, this city became an educational place for the Taliban of Knowledge to meet with these elders and the opportunity to acquire knowledge was provided for them. This trend of seeking knowledge in a holy place and achieving spiritual peace near Baitullah al-Haram led to the formation of the phenomenon of proximity. This kind of proximity tradition emerged and spread in Islamic culture. According to historical reports, the number of neighbors in the first to third centuries of Hijri was small, not significant, but in the fourth to sixth centuries of Hijri, the number of neighbors of Mecca increased.

**Cite this article:** Seyed Saleki, SF., panjeh, M. , Farahmand, Y. (2026). Reflection of the Religious Approach in the Historiography of the Holy Prophet by Motahhar ibn Taher Moghaddisi. ***Historical Studies of the Islamic World***, *14* (38), 7-32.

https://doi.org/ 10.22034/MTE.2024.16627.1746

© The Author(s).
**Publisher**: Al-Mustafa International University.
**DOI**: https://doi.org/10.22034/MTE.2024.16627.1746

مطالعات تاریخی جهان اسلام
شاپا چـــاپی: ۲۱۳۴-۲۳۸۳
شاپا الکترونیکی: ۲۳۰۹-۲۷۸۳
Homepage: https://mte.journals.miu.ac.ir/

# شکل‌گیری سنت "مُجاوَرَت" و علمای مُجاور مکه ( تا سدهٔ ششم هجری)

فهیم السادات سیدسالکی [۱]، معصومعلی پنجه [۲] ✉ و یونس فرهمند [۳]

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
رایانامه:fahimsaleki@gmail.com

۲- نویسنده مسئول، گروه تاریخ و باستان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
رایانامه:panjeh@srbiau.ac.ir

۳- گروه تاریخ و باستانشناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
رایانامه:Farahmand@srbiau.ac.ir

## اطلاعات مقاله

**نوع مقاله:** علمی – پژوهشی

**تاریخ دریـافت:** ۱۴۰۳/۰۷/۱۱
**تاریخ بازنگری:** ۱۴۰۳/۰۹/۲۲
**تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۳/۱۱/۱۰
**تاریخ انـتشار:** ۱۴۰۵/۰۴/۰۸

**کلیدواژه‌ها:**
تاریخ اجتماعی مکه،
حج،
مجاورت،
علماء،
مجاوران.

## چکیده

خاستگاه "مُجاوَرَت" به عنوان یک سنت اجتماعی اسلامی در سده‌های نخست و میانه، شهر مقدس مکه بود. در این دوران عالمان بسیاری از سرتاسر جهان اسلام به مکه می‌آمدند و در آنجا سکونت می‌گزیدند. "مجاورت" کی و چگونه شکل گرفت و گسترش یافت؟ پرسشی است که این مقاله در پی پاسخگویی به آن است. شهر مکه که پیش از برآمدن اسلام هم نزد عربها جایگاه والا و مهمی داشت، در دورهٔ اسلامی اهمیتی چند برابر یافت. افزون بر وجود بیت‌الله الحرام، این شهر خاستگاه وحی بود؛ و نیز جایگاه برگزاری مناسک و فرضیه حج. در نتیجه از همان صدر اسلام مکه به یکی از کانون‌های اصلی دینی و فرهنگی عالم اسلام بدل شد. بسیاری از عالمان بزرگ اسلام به اقامت در مکه علاقمند بودند، از این رو فرصت دانش‌اندوزی برای ایشان فراهم شد. این گرایش حضور در مکانی مقدس و دست‌یابی به آرامش معنوی در نزدیکی بیت‌الله الحرام، منجر به شکل‌گیری پدیدهٔ مجاورت شد. این‌گونه سنت مجاورت در فرهنگ اسلامی پدید آمد و رواج یافت. بنابرگزارش‌های تاریخی موجود شمار مجاوران در سده‌های یکم تا سوم هجری چشمگیر نبود؛ اما در سده‌های چهارم تا ششم، بر تعداد مجاوران افزوده شد.

**استناد:** سید سالکی، فهیم السادات؛ پنجه، معصومعلی؛ و فرهمند، یونس (۱۴۰۵). شکل‌گیری سنت "مُجاوَرَت" و علمای مُجاور مکه ( تا سدهٔ ششم هجری). *مطالعات تاریخی جهان اسلام*، ۱۴ (۳۸)، ۳۲-۷.
https://doi.org/10.22034/MTE.2024.16627.1746

**ناشر:** جامعة المصطفي (ص) العالميه.

© نویسندگان.
CC BY

**مقدمه**

شناخت عمیق و کامل از تاریخ جوامع اسلامی مستلزم مطالعه درباره نقش گروه‌ها و قشرهای سازنده آن است. «علما» یکی از گروه های مهم و از عناصر سازنده جامعه اسلامی بودند که افزون بر تسلط بر مناصب دینی و دیوانی در جامعه و در میان توده‌ها نفوذ داشتند. دربارهٔ احوال و زندگی عالمان مسلمان در دورهٔ میانه منابع گونه‌گون و پرشماری در دسترس است و از این روی محققان می‌توانند به شناخت بی‌واسطه از نقش و پایگاه آنان در جوامع اسلامی دست یابند و رد آنها را در رویدادها و تحولات مهم تاریخ اسلام پی‌گیرند. به دلیل نقش پررنگ و فراگیر علما در جوامع اسلامی بویژه از قرن سوم هجری به بعد، بررسی نقش آنان تصویری روشن تر از تاریخ این جوامع به دست خواهد داد، چرا که که این گروه همچنان و هم اکنون نیز یکی از اقشار تاثیرگذار و صاحب قدرت در جوامع اسلامی هستند.

در سرتاسر سده‌های نخست و میانه اسلامی شهر مقدس مکه یکی از مقاصد اصلی عالمان مسلمان بود و بسیاری از علماء پس از ادای مناسک حج ترجیح می‌دادند که برای چندین سال یا برای همیشه در این شهر و در جوار بیت‌الله الحرام مقیم شوند. علمای بسیاری از سرزمین‌های دور و نزدیک، از اندلس و مغرب گرفته تا ماوراءالنهر و خراسان و عراق و شام به مکه می‌آمدند و در آنجا سکونت می‌گزیدند. این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که سنت مجاورت کی و چگونه شکل گرفت و گسترش یافت؟ واکاوی پدیدهٔ مجاورت به مثابه گونه‌ای از زیست عالمان مسلمان در دورهٔ میانه می‌تواند تصویری کامل‌تر و روشن‌تر از این جنبه‌های گوناگون زندگی علماء در آن روزگار به‌دست دهد که تاکنون کمتر کاویده شده است.

**پیشینه تحقیق**

عمدهٔ تحقیقات صورت گرفته درباره مجاورت و علمای مجاور به زبان عربی به سده‌های ششم تا نهم هجری برمی‌گردد. المجاورون في مكة وأثرهم في الحياة العلمية خلال الفترة من ٥٧٠- ٦٦٠ق / ١١٧٤ - ١٢٦١م، نوشته عبدالعزیز بن راشد سنیدی از آن جمله است. این کتاب در اصل مقاله‌ای بلند بوده که در «کنگره مکه پایتخت جهان اسلامی» ارائه شده است. نویسنده در این اثر به تفصیل به جایگاه و نقش عالمان مجاور در مکه؛ اعم از عالمان شرقی یا غربی، پرداخته، امّا مطالعه خود را به دوره ایوبیان و دهه نخست دولت ممالیک محدود کرده است. همچنین فاطمه محمد مبارکی در مقاله «اثر العلماء المجاورين في التأثير على الحياة العلمية والاقتصادية في مكة في العصر المملوكي»، (المجلة العلمية لكلية أصول الدين والدعوة بالزقازيق

جامعة الأزهر، المجلد ۲۸، العدد۲، ۲۰۱٦، صص ۱۸۰۱-۱۷۸۱) به جایگاه و تاثیر عالمان مجاور در زندگی علمی و اقتصادی مکه در دوران ممالیک پرداخته شده است.

در چند مقاله نیز به سهم علمای مجاور غرب جهان اسلام (مغرب و اندلس) پرداخته شده است: یکی مقاله «المجاورون الأندلسيون والمغاربة في مكة المكرمة في رحلة ابن بطوطة»، (مجلة سر من رأى، ۲۰۱۸، المجلد ١٤، العدد ٥٤، صص ۳۶۶-۳۴۵) نوشته وجدان فریق عناد است که نویسنده با تکیه بر سفرنامه ابن بطوطه به گوشه‌هایی از زندگی و فعالیت‌های عالمان مجاور اندلسی و مغربی در مکه قرن هشتم هجری اشاره کرده است. دیگر «العلماء المجاورون بمكه: نموذج للملتقيات العلمية بمكة فی العصر الوسيط»، (ثقافتنا، العدد ۳۳، ١٤٣٣، صص ۸۹-۱۰۶) نگاشتهٔ إبراهيم القادری بوتشيش است. در این مقاله نویسنده نمونه‌هایی از زندگی عالمان مجاور در مکه را بررسی کرده که عمدتا پیش از دوره ایوبیان و ممالیک در مکه مجاور شده بودند. سوم مقالهٔ «علماء المغرب الأوسط المجاورين لمكة والمدينة و اسهاماتهم في علوم القران وعلم الحديث»، مجلة متون، المجلد العاشر، العدد الثاني، ۲۰۱۲، صص١٤٦-١٣٦) نوشتهٔ مکاتی توهامی است که در آن به سهم عالمان مغرب میانه (الجزایر) در نشر علوم‌قرآنی و حدیث در مکه و مدینه پرداخته شده است.

در زبان فارسی دو مقاله درخور ذکر است: نخست بخشی از مدخل « ایران» در دانشنامهٔ حج و حرمین شریفین زیرعنوان «مجاورت ایرانیان در مکه و مدینه» (ج ۳، صص۵۸۵-۵۸۸) نوشتهٔ کامران محمدحسینی که بنابر شیوهٔ دانشنامه نگاری به اختصار به سنت مجاورت پرداخته و از شماری از مجاوران ایرانی نام برده است. دوم، مقالهٔ ارزنده و سودمند «رِباط رامِشت: خدمات و اقدامات تاجری ایرانی در مکه در سده ششم هجری» (تاريخ و تمدن اسلامي، سال نهم، شماره هجدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۱۷-۳۶) نوشتهٔ منصور داداش نژاد است. در این مقاله به خدمات ابو القاسم رامِشت (د. ٥٣٤ق) در مکه پرداخته شده‌است.

## مجاورت: واژه و اصطلاح‌شناسی

«مُجاوَرَت » از «جِوار» و به معنای همسایه بودن و آنکه با شما و در کنار شما صحبت می-کند، آمده است. جاوَرَه، مُجَاوَرَة و جِوَارًا و جُوَارًا یعنی او را ساکن کرد و درخانه نشاند. (ابن‌منظور، ۲۰۱۰: ۷۲۴؛ جوهری، ۱۴۰۴: ۶۱۷؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۹: ۳۶۹) مجاورت را در اصطلاح به-معنای انقطاع دنیوی برای پرداختن به عبادت و طلب علم در کنار حرمین شریفین معنا کرده‌اند. (زیلعی، ١٤٠١: ۱۳۷) همچنین به اقامت در مکه که نزد مسلمانان دارای فضیلتی والاست،

تعبیر شده است. (ترمذی، ۱۴۰۳: ۱۵۸) مجاورت آنجا که ظاهری دینی و اجتماعی می‌یابد، اقتضا می‌کند در محلی مقدس و شریف و با فضیلت انجام‌گیرد، از این روی این سنت افزون بر مکه در مدینه و دیگر شهرهای مقدس اسلامی نیز رواج داشت.

## پیشینه مجاورت

پیشینهٔ تاریخی مجاورت را می‌توان در پیوند با دو پدیده «اِعْتِکاف» و «تَحَنُّث» واکاوی کرد. از برخی آیات قرآن برمی‌آید که این عبادت در ادیان توحیدی پیشین نیز مطرح بوده است. در قرآن آمده است: « وعهدنا الی ابراهیم و اسماعیل ان طهرا بیتی للطائفین و العاکفین.» (بقره، ۱۲۵) واژه اعتکاف در قرآن نیامده و مشتقات آن (هفت بار اسم فاعل مجرد، یک بار اسم مفعول و یک بار فعل مضارع ) آمده است. تحنث نیز سنتی رایج در پیش از بعثت بود؛ از برخی روایات برمی‌آید که پیش از اسلام تحنث در میان قریش شناخته شده بود. روایت شده افرادی از قریش ماه رمضان را در حرا در تحنث بوده و بعد از اطعام فقرا، به مکه رفته، و هفت‌بار کعبه را طواف می‌کردند. مشهورترین نمونه از سنت تحنث، خود پیامبر اکرم (ص) است که هر سال مدتی را در غار حرا به خلوت و عبادت می‌گذراندند. (بلاذری، ۱۹۵۹: ۱۰۵؛ ابن‌هشام، ۱۳۵۵: ۲۵۱). این‌سنت را به عبدالمطلب جد پیامبر(ص) نسبت داده‌اند. (بلاذری، ۱۹۵۹: ۸۴) امام علی(ع) در خطبهٔ قاصعه می‌فرماید: «پیامبر اکرم (ص)پیش از بعثت هر سال یک ماه در حرا معتکف شده؛ پس از اطعام فقرا به حرم می‌رفتند. بعد ازهفت بار طواف، به خانه باز می‌گشتند. این کار تا بعثت حضرت ادامه داشت.» (شهیدی، ۱۳۷۷: ۱۷۸)

مورخان بر اینکه در آستانه ظهور اسلام چند تن از حُنفاء از جمله زید بن عمرو بن نُفَیل برای در امان ماندن از آزار مشرکان و احتراز از بت‌پرستی و خوردن مردار و خون و قربانی در برابر بت‌ها، به کوه حرا پناه می‌بردند، اتفاق نظر دارند. (ابن‌اسحاق، ۱۳۹۲: ۹۷ ) با این همه گفته می‌شود که تحنث پیامبر اکرم(ص) نه پیروی از سنت قریش بوده است، و نه پیروی از روش حنفا. از برخی روایات برمی‌آید که تحنث پیامبر (ص) را به معنای تفکر دانسته‌اند. (قسطلانی، بی‌تا: ۶۲؛ حلبی، ۱٤۱۷، ج۱: ۲۳۷ ؛ قسطر، ۱۳۹٦: ۲۲۷) چند تن از مستشرقان تحنث را واژه ای عبری به کسر (ت) و (ح) و به معنای نیایش و عبادت فردی دانسته و هرگونه ارتباط میان تحنث و تحنف را انکار کرده و از رواج این سنت در میان قریش پیش از اسلام تردید کرده‌اند. (قسطر، ۱۳۹٦: ۲۲۸)

مجاورت در مکه به عنوان پدیده ای اجتماعی شناخته شده بود که براساس آیات شریفه قرآن کریم و سنت مطهر با پیامبر (ص) و از ابتدای دعوت وی آغاز گردید. (قسطر، ۱۳۹٦: ۲۲۸)

در عهدی که مجاورت معنای اعتکاف و انقطاع دنیوی در عبادت خداوند سبحانه وتعالی داشت، مسلمانان بر پیامبر خود اقتدا نمودند. (آل مشاری، ۱۴۰۹: ۲۳) مکه زادگاه پیامبر اسلام(ص) و سیزده سال ابتدای بعثت وی بود تا آنکه امرحق تعالی به هجرت، ناخرسندی‌های قریش، سخت‌گیری‌ها، توهین‌ها و تحقیرهای غیرمسلمانان مکه، گرایش گروهی به دین اسلام و مناسب بودن یثرب جهت اقامت در سال هفتم هجری در عمره‌القضا باعث اتخاذ تصمیم قطعی به هجرت گردید.

پیامبر(ص) پس از بعثت تحنث را که برای دوری از جامعه جاهلی و عادات و رسوم آن بود، ترک کردند. (ازهری، ۲۰۰۷: ۴۸۱) روایتی از عایشه (د. ۵۸ق) در دست است که رسول خدا (ص) در دهه آخر ماه مبارک رمضان مجاور می‌گشتند. (بخاری، ۱۴۰۰ : ۱۷۰؛ ترمذی،۱۴۰۳: ۱۵۸)؛ از این روی می‌توان نتیجه گرفت که نخستین مجاور خود حضرت رسول (ص) بود. گفته شده پیامبر، پس از هجرت هر سال دهه اول، دوم، یا سوم ماه رمضان را در مسجد مدینه اعتکاف می‌کردند. (کلینی، ۱٤۰۷: ۱۷۵؛ بخاری، ۱٤۰۰: ۲۵۵ ) به جز سال دوم هجری که به جهت تقارن جنگ بدر با ماه رمضان، معتکف نشده و در سال بعد دو دهه در مسجد اعتکاف کردند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۷۶؛ حرعاملی، ۱۳۹۹: ۵۳۴) ایشان درآخرین ماه رمضان عمر خویش، دو دهه معتکف شدند. (ابن حنبل،۱۴۱۶: ۳۸۱؛ دارمی،۱۴۱۶: ۱۱۱۶ ؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸: ۵۶۲) بنا بر احادیث، پیامبر اکرم(ص) ثواب ده روز اعتکاف در ماه رمضان را معادل دو حج و دو عمره برمی‌شمارند. (ابن بابویه، ۱۳۶۳ : ۱۱۸؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳: ۱۴۶).

### دیدگاه علماء درباره مجاورت

مجاورت تفاوت‌هایی با اعتکاف داشت و لزومی بر رعایت شرایط اعتکاف در آن دیده نمی‌شد. خروج بدون علت از مسجد و حرام بودن مجامعت نزد معتکف و ذکر و تلاوت دائم و روزه‌داری و سایر شرایط الزامی در اعتکاف، در مجاورت وجود نداشت. (توهامی، ۲۰۱۲: ۱۳۷) علما در عدم وجوب مجاورت در مکه متفق القول‌اند (بلوی، ۲۰۱۷: ۱۷۲)، اما در مکروه یا مستحب بودن آن نظریات متفاوت است. شماری از فقها، بر استحباب مجاورت رای داده و معتقد بودند مجاورت عملی پسندیده و مطلوب است. (ذهبی، ۲۰۰٤: ۵۳۶ ؛ فاسی،۱۹۹۹: ۸۳۹ ) ایشان با استناد به آیه مبارکه۳۱سوره احزاب: «نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ» به‌شرط حفظ حرمت حرم و انجام صحیح آداب مجاورت برای آن فضیلت بسیاری قائل بودند. (زرکشی، ۲۰۰۷: ۱۳۱) تهییج شوق به مفارقت از لذائذ دنیوی (ابن‌جوزی، ۱۹۹۲: ۱۰۲) و اتصاف به حرم شریف و دست‌یابی – به کمال حقیقی از دیگر فضایل مجاورت بود. (بلوی، ۲۰۱۷: ۱۷۳) از احمدبن حنبل (د.۲۴۱ ق)

پرسیدند: مجاورت مکروه است؟ پاسخ داد: «زمانی جابر و ابن عمر مجاورت گزیدند. ایکاش من نیز هم اکنون در مکه مجاور بودم.» (صفدی، ۱٤۲۰: ۲۲۵ ) مختار بن ابوعبیده ثقفی(د. ۶۷ق) به استحباب مجاورت در مکه معتقد بود. (فاسی، ۱۴۰۵، ج۲: ۴۵؛ ۱۹۹۹: ۱۷۵).

با این همه برخی از علما آن را مکروه می‌دانند. امام ابوحنیفه (د.۱۵۰ق) نسبت به زندگی و اقامت مجاوران مکه نظر مساعدی نداشت. ( سنیدی، ۱٤۲۶: ۸؛ طبری، ۱٤۰۳: ٦٦۰). مهم‌ترین علت مخالفت ایشان نگرانی از قصور در نگاهداشت حرمت حرم توسط مجاوران در پی عادت به مکان جدید و کمرنگ‌شدن میزان احترام به حرم (کنانی، ۱۹۹۸: ۱۰۲) و نگرانی از ارتکاب خطا و معاصی بود. (دهام، ۱٤۲۸: ۴۵) زیرا جزای اعمال ناشایست در مکه مضاعف بود. (فریق‌عناد، ۲۰۱۸: ۳۵۲) ابوطیب طاهر بن عبدالله بن طاهر طبری (د.۴۵۰ ق) فقیه شافعی می‌گوید: «بر کسی که از حج فارغ شده مستحب است به سرعت به شهر خویش بازگردد. پیامبر(ص) پاداشی عظیم برای کسی می‌دانند که پس از حج، در بازگشت به سوی اهل خویش - تعجیل نماید.» (ابن ظهیره، ۱٤۲۳: ۱۵۱؛ قطبی، ۱۴۰۳: ۳۳؛ کنانی، ۱۹۹۸ : ۱۰۳) در مملکت خود بودن و دل نزد مکه داشتن، بهتر از سکونت در مکه و دل در شهر خود داشتن اعتبار داشت. (ابن‌ظهیره، ۱۴۲۳: ۱۵۱) مجاوری که قلبش متمایل به غیر خداست، در خسران بسر می‌برد و آنکه با قلبی مملو از شوق دور از حرم باشد مانند طواف‌کننده است. (جراعی، ۱۴۰۱: ۱۰۰؛ فاسی، ۱۹۹۹، ج۲: ۱۷۵؛ نوال‌شریف، ۱۴۱۸: ۴۱۳) با توجه به شرف آن مکان - مقدس جزای سیئات مضاعف است، (زرکشی۲۰۰۷: ۱۳۰) چون پاداش حسنات. (ابن‌ظهیره، ۱۴۲۳: ۱۵۲؛ آل‌مشاری، ۱۴۰۹: ۲۷) خلیفه دوم برحاجیانی‌که حج‌شان به اتمام رسیده بود ندا می‌داد: «ای اهل یمن! یمن بر شما باد! و ای اهل شام! شام بر شما باد! و ای اهل عراق! عراق از آن شماست! حرمت خانه خدای خویش‌را درقلوبتان محفوظ دارید!» (آل مشاری، ۱۴۰۹: ۲۷؛ نوال شریف، ۱۴۱۸ :۴۱۲) مجاوران به بازگشت به وطن خویش ترغیب می‌شدند، هر چند قلبشان مملو از اشتیاق حضور در حرم بود. (زرکشی، ۲۰۰۷: ۱۳۰) عبدالله بن عباس سکونت در طائف را برگزید و می‌گفت: «اگرخارج از مکه مرتکب هفتاد گناه عمدی یا غیرعمد شوم، بهتراست که یک گناه در مکه مرتکب گردم.» (فاسی، ۱۴۰۵، ج۲: ۸۴ )

عبدالله بن‌مسعود می‌گفت: «مکانی نیست که بنده در آنجا قبل از عمل بازخواست شود، مگر مکه. و به سوره مبارکه «فیل» اشاره داشت که پیش از بازگشت به‌خانه هلاک شدند. (زرکشی،۲۰۰۷: ۱۲۹) به ذهن مسلمانان خطور نمی‌کرد که‌کراهت سکونت با فضیلت مکان شریف منافات دارد؛ بلکه علت آن را ضعف انسان درادای حقوق خداوند و موقعیت‌خاص‌مکه معظمه می‌دانستند. (ابن‌ظهیره، ۱۴۲۳: ۱۵۱؛

ملاخاطر،۱۳۸۸: ۱۷۲) اینها از جمله دلایل کراهت علماء نسبت به مجاورت (بروجردی، ۱۴۲۲: ۷۶۳) و اصرار جمهور، برابقاء مسلمانان دروطن خود بود. (کنانی، ۱۹۹۸: ۱۰۲؛ ابن‌ظهیره، ۱۴۲۳: ۱۵۴؛ فاسی، ۱۴۱۸: ۳۷؛ قطبی، ۱۴۰۳: ۴۷)

به‌رغم این مخالفت‌ها و تحذیرها، با گسترش قلمرو اسلام و افزایش شمار مسلمانان به تدریج شماری از حاجیانی که به مکه می‌آمدند، به‌جای بازگشت به موطن خویش ترجیح می‌دادند که در مکه بمانند، به‌تدریج پدیدهٔ مجاورت پدیدار گشت و در سرتاسر دورهٔ میانهٔ اسلامی بدل به سنت شد.

## زمینه‌ها و علل شکل‌گیری مجاورت

شکل‌گیری و گسترش پدیدهٔ مجاورت در مکه با انگیزه‌ها و اهدافی بود که مهم‌ترین ریشه در جایگاه دینی و علمی مکه مکرمه در جهان اسلام داشت. مکه زادگاه اسلام و خاستگاه وحی و معرفت اسلامی بود. بسیاری از طلبه که مشتاق زیارت کعبه و کسب افتخار در دانش‌اندوزی در جوار مسجدالحرام بودند، مفتخر به اقامت و مجاورت در نزدیکی حرم مقدس می‌گشتند. رویداد سالانهٔ حج، جایی برای برقراری ارتباط میان علمای جهان اسلام با یکدیگر بود که مکه را به مکانی مناسب برای نخبگان فرهنگی تبدیل می‌کرد. نویسندگان کتب طبقات و تراجم و مشایخ به ارتباط نزدیک ملاقات علماء اشاره دارند. عباراتی چون «حج و طلب العلم» (ابن فرضی، - ۱۹۵۴: ۹) و «زائر مهاجر و شنوا در سفر» (قاضی‌عیاض، ۱۹۸۲: ۱۵۳) و«زائری کوچید و در سفرش بسیار روایات نوشت» (ابن‌عطیه،۱۹۸۳: ۹۳؛ ابن فرضی،۱۹۵۴: ۱۹۴) نشانه‌های عمیقی از ارتباط بین حج و عالمان را بیان می‌کند. به‌تدریج مجاورت منجر به پیدایش جنبش علمی عظیمی در زمینه علوم گوناگون خصوصاً علوم قرآنی و حدیث در میان مجاوران و مقیمان حرم گردید. (توهامی، ۲۰۱۲: ۱۳۶) و این خود انگیزه بالایی برای مجاوران تازه‌وارد بود. همچنین مکه در کنار اهمیت دینی، از جنبه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی نیز دارای اهمیت بود. در زمان‌هایی مکه و مدینه مرکز تصمیم‌گیری‌های سیاسی بوده‌اند. (بصیری، ۱۴۰۰: ۲۳)

از قرن چهارم تا ششم هجری، انگیزه برای حضور مجاوران در مکه افزایش یافت. افزون بر دانش‌اندوزی، مجاوران برای گریز از امور دنیوی و البته گاهی دریافت عطایا و همچنین دوری از کشمکش‌های سیاسی که گاه و بی‌گاه شهرهایشان را دربرمی‌گرفت، به مکه می‌آمدند. به‌عنوان نمونه منابع به علاقه برخی از عالمان مغربی به انجام فریضه حج با وجود خطرات مسیر وتهدید راهزنان و احتمال اسارت در چنگال دزدان دریایی مسیحی اشاره دارند. (ابن فرضی، ۱۹۵۴: ۲۰۱)

## آداب و شئون مجاورت

مجاورت دارای آدابی بود. مجاور باید در دین، اخلاق، رفتار و آداب برای سایر مسلمانان سرمشق می‌بود؛ به‌گونه‌ای که تداعی‌کننده منش رسول خدا باشد. (دهام، ۱۴۲۸: ۵۰ ) حفظ- حریم مکه معظمه، ادای حقوق واجب، حفظ اعتبارحرم (ابن‌دهیش، ۱۴۱۵: ۱۲۵) عیادت از مریض، شرکت در تشییع جنازه، یاری رساندن به ضعفاء، پناه دادن به بی‌پناهان، احسان برمقیمان و واردین به شهر، اکرام زائران و مواسات با فقرا ولو به طعامی اندک یا آبی مختصر، اهدای صدقات و نذورات به مقیمان رِباط‌ها، نگهداری و صیانت حرم شریف، حفظ بهداشت محل‌های عبور زائران، خدمت‌رسانی به ایشان و خودداری از ارتکاب خطا به طور کلی و جلوگیری از سهو و خطای دیگران وامر به معروف و نهی از منکر از جمله این اعمال بود. (دهام، ۱۴۲۸: ٤۹)

دعای بسیار با شکر نعم، همراه با حسن ادب در محضر خداوند و طلب بخشش از وی، صبر و تحمل دشواری های معیشتی و فشارهای زندگی، جبران تقصیر در انجام واجبات و اعتراف به قصوردر بزرگداشت و ذکر مناقب گذشتگان، عدم تمایل به ارتکاب گناه که موجب غضب خداوند و اخراج گنهکار از حرم می‌بود؛ همراه با دانش‌افزایی و تدریس و تألیف و حفظ کتب، ازوظایف مجاوران بود. (دهام، ۱۴۲۸: ۵۲) سمهودی شافعی (د. ۹۱۱ق) آداب متصور بر مجاوران حرمین شریفین را به نیکی بیان کرده است. (سمهودی،۱۳۹۲: ۱۸۰) خلیل ملاخاطر ذکرمی- کند: «برعهده هر مجاور است تا به مسؤولیت خویش عمل‌کند که رضایت پروردگار و رسولش را به دنبال دارد. ایجاد گشایش در معیشت دیگران و صبر در شدائد پاداش‌مضاعف خواهد داشت.» (ملاخاطر، ۱۳۸۸: ۱۵۹) از آداب دیگر مجاورت، عدم غش در معاملات بود؛ چرا که مجاوران در رتبه برتر و صف نخست -نیکی‌ها و عمل به دستورات خداوند و پیامبر اکرم(ص) قرار داشتند.

انجام این آداب، بر اعتبار مجاوران می افزود. از جمله قاضی حرم شریف عبدالملک بن ابی مسلم نهاوندی(د.۵۱۹ق) (باقاسی، ۱۴۰۰: ۱۸۶)و خادم حرم عبد الجبار بن ابراهیم عبدری(د.۵۲۱ق) (فاسی، ۱۴۰۵، ج۵: ۳۲۴) و جار الله محمدبن عمر زمخشری (د. ۵۳۸ ق) را می توان برشمرد. وی ثمره شجره طیبه و محصول تربیت دینی پدر دانشمندش (حوفی،۱۴۰۴: ۷۹)؛ و در عبادت و اطاعت و حکمت و موعظه بی‌نظیر و در تهذیب اخلاق بین عامه مشهور بود. (ابن‌العماد، ۱۳۵۰: ۳۱۳؛ حوفی، ۱۴۰۴: ۷۹؛ هیله،۱۹۹۴: ۴۳)

## آمار مجاوران مکه

گزارش‌ها درباره مجاورت در عهد راشدین و امویان بسیار اندک است. در این دوران بیشتر

مردمان ساکن در سرزمین‌های مفتوحه، مسلمان نشده بودند. نیز، علوم اسلامی شکل نگرفته بود تا افراد به انگیزه علمی مجاور مکه یا مدینه شوند. گفته شده گروهی از صحابه پس از فتح مکه، در آن جا مجاور شده و از پس از رحلت حضرت رسول (ص) همچنان مقیم مکه مشرفه ماندند. شمار ایشان را برخی مورخان چون ابن جوزی (د. ۵۹۲ق) و محب‌الدین طبری (د. ۶۹۴ ق) ۵۴ تن ذکر کرده‌اند. (طبری،۱۴۰۳: ۲۰۹) بسیاری از تابعان نیز مجاور مکه شدند. (ابن-بابویه، ۱۳۶۳، ج۱: ۴۶۲؛ حرعاملی، ۱۳۹۹، ج۱۳: ۲۳۱) کسانی چون عبدالله بن عمر بن الخطاب (د. ۷۳ ق) و جابر بن عبدالله (د. ۷۸ ق). (ابن‌جوزی، ۱۹۹۲، ج۳: ۳۶۱) و عبدالله بن عباس (د. ۶۸ ق). (ابن‌عماد ۱۳۵۰، ج۱: ۷۵) گفته شده ابن عباس بر اثر آزارهایی که از عبدالله بن زبیر (د. ۶۳ ق) دید از شهر خارج شد. (صفدی، ۱۴۲۰،ج۹: ۲۱۷) و ابو واقد حارث بن عوف اللیثی (د. ۶۸ ق) که همانجا وفات یافت. (صفدی، ۱۴۲۰، ج۱۱: ۱۸۸)

شمار مجاوران از قرن سوم هجری به بعد افزایش یافت. افزون بر اسلامپذیری غیرمسلمانان و در نتیجه افزایش شمار مسلمانان، گسترش سفرهای علمی در طلب حدیث و دیگر علوم اسلامی عامل‌های اصلی در افزایش تعداد مجاوران بود. درگزارشی منحصر به فرد از ابن سلام مربوط به قرن سوم هجری، از حضور ۱۵۰ مجاور در مکه یاد شده که ۲۵ نفرشان اهل عمان بودند. (ابن سلام، ۱۰۸۵: ۱۳) ناصر خسرو قبادیانی، شاعر و حکیم ایرانی، که خود در مراسم حج سال ٤٣٨ هجری در مکه حضور داشته است درباره جمعیت مکه و شمار مجاوران چنین آورده‌است: «در مکه دو هزار مرد شهری بیش نباشد، باقی قریب پانصد مرد غُربا و مجاوران باشند» (ناصر خسرو، ١٣٤٤: ٨٩) ناصر خسرو خود نیز مدتی از مجاوران مکه بوده و در جایی آوردن: «من در این سال از اول رجب بمکه مجاور بودم» (ناصرخسرو، ١٣٤٤: ١٠٠) ابن بشکوال اندلسی در کتاب الصله در نیمه اول قرن پنجم هجری، مجموع مجاوران مکه را ۱۳۶ تن ذکر - کرده که ۱۰۴ تن از ایشان اندلسی بودند. (ابن بشکوال، ۱۹۵۵ :۱۳۹) ۱۹ تن از مجاوران عراقی و۱۰ تن از شام و بقیه از سایر بلاد اسلامی بودند. (مبارک امین، ۲۰۰۱: ۳۵۰ ). یکی از این مجاوران عتیق بن احمد بن عبدالرحمن اندلسی که در قرن پنجم هجری به مکه آمد و پنجاه سال مجاور بود. (فریق عناد، ۲۰۱۸: ۴۹۱ ) همچنین براساس گزارش تاریخ علماء اندلس طی قرون چهارم تا ششم هجری، جمعا ۱۵۸ عالم اندلسی به مکه آمدند. برخی از ایشان در همان جا وفات یافتند. (ابن فرضی،۱۹۵۴: ۹۶) در کتاب الغنیه از چهار دانشمند مجاور در مکه با ذکر موطن اصلی‌شان نام برده اند. (قاضی عیاض،۱۹۸۲ :۸۹ ) البته در سال‌های قحطی شمار مجاوران کاسته می‌شد، بنابر گزارش ناصر خسرو، در یک سال که در مکه قحطی آمده بود،

«مجاوران از مکه می‌رفتند» (ناصرخسرو، ۱۳٤٤: ۷۷).

مجاورت با انگیزه‌های دینی و علمی از قرن چهارم به صورت خاندانی نیز رواج یافت. خاندان‌های طَبری، قَسطلانی، عَسقلانی، اِربلی، نُویری، فاسی و تُجیبی از جمله ایشان بودند. قدیمی‌ترین ایشان، خاندان ایرانی‌تبار طبری بود که از سده پنجم هجری در مکه حضور یافتند. این خاندان منسوب به طبرستان بودند و اینکه برخی مورخان ایشان را منسوب به طَبریه در اردن می‌دانند درست نیست. (عائض الردادی، ۱۴۱۶: ۱۰) نخستین فرد از این خاندان، ابومعشر طبری است که در ۴۸۸ هجری جهت تحصیل و تدریس مجاور مکه شد. (سباعی،۱۳۸۵، ج۱: ۲۵۰) در دوره‌ای طولانی مناصب مهمی چون قضاوت، فتوی، تدریس، امامت و خطابه به عهده افرادی از این خاندان بود. از قدیم الایام منصب خطابه در اختیار سه خاندان طبری، ظهیری، نویری و خاندان طبری اقدم بر ایشان بود. (دهام، ۱۴۲۸ : ۱۸۹)

## تکاپوهای اجتماعی و فرهنگی مجاوران

مجاوران از نظر طبقاتی اغلب از سه دسته تشکیل شده بودند: ۱. فقیران ۲. متوسط‌حال ۳. دارای حرفه. مجاوران معمولاً در در رِباط‌ها سکونت داشتند (آل سنه، ۱۴۲۰: ۷۹ ) در مکه و اطراف مسجدالحرام رباط‌هایی توسط ثروتمندان برای سکونت مجاوران ساخته می‌شد و تنها کسانی در این رباط‌ها زندگی می‌کردند که محل دیگری برای زندگی نداشتند. در قرن چهارم هجری در مکه دو رباط ابن منده (۳۹۵ ق) و السدره (۴۰۰ق) (ازرقی، ۱۳۵۷،ج۷ : ۵۲ ) و در قرن پنجم تنها رباط الفوقانیه (پیش از ۴۸۷ ق) ساخته شد که به اقامت فقرا اختصاص داشت. (فاسی، ۱۹۹۹، ج۲: ۵۵ ) در قرن ششم هجری در مکه پانزده رباط احداث و یا مرمت شد که درهای شش رباط به روی صوفیان مجاور باز بود. یکی از سه بنای رباط اخلاطی به زنان اختصاص داشت. (رفیعی، ۱۳۹۷: ۱۱) . در میان مجاوران اشخاص متمکن نیز بودند. آنچه ابن‌بطوطه در شرح زندگی مجاوران از حیث اقتصادی بیان می‌دارد، نشان می‌دهد گروهی از ایشان ؛دارای تمکن مالی بوده اند. چون مجاور متمکن مغربی شیخ ابو مهدی عیسی بن حزرون مکناسی که در پی نجات جان خویش توسط اعرابی، کمربندی از طلا به وی هدیه داد.(ابن بطوطه.۱: ۱۴۱.۱۴۳؛ فریق عناد، ۳۵۵). اعمال زاهدانه ای که برخی مجاوران متمول در پیش گرفته بودند؛ بر اشتیاق ایشان به تقوا و دوری از زخارف دنیوی به شوق پاداش اخروی حکایت دارد. از انبوه هدایا و صدقاتی که بین مجاوران بخصوص در ایام حج تقسیم می‌شد، بخش اعظم آن از سوی دولت از بیت‌المال به تمام مردم جز گروه زاهدان پرداخت می‌شد (فریق عناد، ۳۵۵؛ ابن

بطوطه، ۱: ۱۸۹)ایشان به بخشش ثروتمندان در ایام حج بسنده می‌کردند (زیلعی: ۱۵۰-۱۴۹)

از اصلی‌ترین پیشه‌های علمای مجاور تدریس در مدارس مکه بود. از جمله این مدارس، یکی مدرسه الزنجیلی بود که به مدرسه فخریه - منتسب به امیر فخرالدین عثمان فرمانده عدن شهرت داشت. (ابن فهد، ۱۴۲۱، ج۵ : ۴۹۲ ) و مدرسه طاب الزمان الحبشیه بود. ساخت این مدرسه قدیمی منسوب به خلیفه عباسی المستضیء است که تخصیص به تدریس علوم دینی مذهب شافعی داشت و در دار زبیده واقع بود. (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۵ : ۵۳۲) و مدرسه الارسوفی که از قدیمی‌ترین مدارس مکه مکرمه بود. و اعتبار آن به العفیف عبدالله بن محمد الارسوفی (د. ۵۹۳ ق) باز می‌گشت. (فاسی،۱۴۰۵، ج۱: ۱۸۱)

از مشهورترین مجاوران مدرس و مؤلف می‌توان به این افراد اشاره کرد:

۱. سعد بن علی زنجانی (فاسی،۱۴۰۵، ج۴: ۵۳۶)؛ ۲. ابراهیم قزوینی (د. ۵۳۱ق) (رافعی، ۱۹۸۷، ج۱: ۵۲۱ )؛ ۳. محمدمعافری (د.۶۱۷ق) (قضاعی، ۱۳۹۲، ج۲: ۱۱۴)؛ ۴. احمد بن وهبان (د. ۵۸۵ ق) (ابن کثیر،۱۳۹۶، ج ۱۲: ۳۴۳ )؛ ۵. عمر بن ابی الحسن مصری (د. ۶۳۲ ق). (ابن خلکان،۱۲۹۹،ج ۲: ۴۵۴ )؛ ۶. رزین بن معاویه اندلسی (د.۵۲۴ ق) (فاسی،۱۴۰۵، ج۴: ۳۹۷ ) مولف کتاب جمع فیه ما فی الصحاح الخمسه و الموطأ؛ ۷. جار الله محمود بن عمرزمخشری (د. ۵۳۸ ق) که مؤلف بیش از سی کتاب از جمله الکشاف فی تفسیر القرآن العظیم در تفسیر قرآن کریم است. (یافعی،۱۳۹۰،ج۲ : ۶۹۳ ) ۸. ابی عمر طلمنکی (د. ۴۲۹ ق) مولف الروضه (توهامی ،۲۰۱۲: ۱۴۰)؛ ۹. ابی محمد مکی بن ابی طالب قیسی قیروانی (د. ۴۳۷ ق) مولف التبصیره؛۱۰. از برجسته‌ترین قراء مجاور در مکه می‌توان از نصر بن محمد بن علی نهاوندی بغدادی مکنی به ابوالفتوح و معروف به حصری (د. ۶۱۸ ق) نام برد که پیشوای مقام حنبلی‌ها در مسجدالحرام (ابن رجب،۱۳۷۳،ج۲: ۱۳۰) و از جمله امامان محترم و استاد ابن النجار بود. (فاسی،۱۴۰۵، ج۷: ۳۳۳ )؛ ۱۱. ناصر بن عبدالله مصری (د.۶۳۳ ق)؛ ۱۲. قیصر بن آقسنقر ترکمانی (د. ۶۴۷ ق) معروف به شیخ معمر بزرگ؛ ۱۳. اعلم مدرسان علم قرائات علی بن عبدالله بن حمود مکناسی (ذهبی۱۴۰۸: ۲۱۲ )؛ ۱۴. مبارک بن علی بن حسین‌بغدادی معروف به ابن‌طباخ بزرگ حنبلی (ذهبی، ۱۴۰۸: ۹۵ )؛ ۱۵. حسن بن محمد بن حسن انصاری بلنشی معروف به ابن رهبیل اندلسی (د. ۵۸۵ ق) ۱۶. از مجاوران ارجمند مکه که قرائت حفص از عاصم را فرا گرفت و به بسیاری از طلاب آموخت و اجازه تعلیم این قرائت را به ایشان داد، محمد بن احمد بن حسن بن بندار سجزی معروف به چوبکار (د.۵۹۸ ق) است. (فاسی،۱۴۰۵،ج۲: ۹۱۱ )؛ ۱۷. زاهر بن رستم اصفهانی بغدادی (د.۶۰۷ ق)که از بزرگترین قاریان در مکه بود.

ارتباط مجاوران و اهالی مکه بر پایه دوستی و محبت و برادری بود. در عین حال به مجاورینی برمی‌خوریم که پس از سال‌ها اقامت در جوار خانه خدا، مایل به بازگشت به وطن خود بودند. مانند زمخشری (د. ۵۳۸ ق) که پس از اقامت در مکه به وطن خود برگشت. وی مجدداً به مکه مهاجرت کرد و در این زمان بود که به لقب جارالله ملقب گردید. (فاسی۱۴۰۵،ج۷: ۱۳۷)

اشتیاق در کسب علوم، تحمل سختی های ناشی از دوری وطن و بدی آب و هوای مکه و دشواری های حاصل از بلایای طبیعی مانند سیل و خشکسالی و بیماری و گرانی متاع را قابل تحمل می کرد. اقتصاد مکه به حضور مجاوران بستگی تام داشت. در فصولی مانند حج میزان ارسال هدایا و صدقات و موقوفات بسوی مکه از جانب خلفا و سلاطین و امرا و ثروتمندان فزونی می یافت. علاوه بر اینها، هدایا و نفقات جداگانه ای از سوی خلیفه یا حاکمان دربار عباسی ارسال می گردید، که سهمی جداگانه و مخصوص امرای حج بود. آرام کردن بحران های اقتصادی مکه و التیام رنج مردم در زمان فقر و قحط و تنگدستی ایشان، مبین نقش تاثیرگذار مجاوران متمکن و متمول در این دوران است. اعتماد حاکمان به مجاوران، مشارکت ایشان در برخی مراسم مکه مانند تعیین فرمانداران، امیران، قاضیان و خطیبان را به دنبال داشت. چون صاحب این مناصب نقش مهمی در امر به معروف و نهی از منکر در جامعه داشتند. مسئولیت «امامت جماعت» و «افتا» و «قضاوت» در بسیاری از مواقع به مجاوران شهیر و فاضل واگذار می گردید. بسیاری از مجاوران، به پرهیزگاری و نیکو خصالی شهیر بودند. طوری که مردم عادی جامعه به دیده احترام و شکوه به ایشان می نگریستند. دین داری و ورع از خصایل بارز ایشان بود. زمخشری در قصاید خود به این خصوصیات اشاره می کند. مجاوران همچنین با پیروی از آدابی که باعث افزایش حرمت و تشخص ایشان می شد، مشهور بودند. حتی برخی از ایشان می توانستند امر به معروف و نهی از منکر کنند. (آل مشاری،۱۴۰۹: ۹۱ )

مدت زمان مجاورت نیز در تاثیرات متقابل ایشان و مردم مکه بسیار اثر داشت. (دهام،۱۴۲۸: ۳۳۰ ) واضح بود که مجاورت دائم تأثیر بسیار بیشتری به دنبال داشت. ایشان ترجیح می دادند تا پایان عمر در مکه بمانند؛ ولی برخی از مجاوران باید به شهرهای خود باز می گشتند. مانند فقیه شافعی عبد الغافر الفارسی (د. ۵۲۹ ق) صاحب کتاب تاریخ نیشابور و مجمع الغرائب. وی چهل سال امامت داشت و از سوی ابو محمد الجوهری و چند عالم دیگر دارای مجوز تدریس بود. درست در اوج نهضت علمی مکه به نیشابور بازگشت تا به تدریس بپردازد. (ابن العماد، ۱۳۵۰، ج۴ : ۹۳ )

نهایت هدف مجاوران، زهد بود. پس به طور طبیعی به نظر می‌رسد که تاثیر مجاوران سیاسی، بسیار ضعیف باشد. اما چنین نیست. وقتی صحبت از دین می‌شود، منعی از حیث حیات سیاسی

ندارند و ایشان در عین مبارزه با حاکمان وقت، از دین خویش نیز دفاع می‌کردند. (زیلعی، ۱۴۰۱: ۱۴۷ ) ابوعثمان سعید بن مغربی (د. ۳۷۳ق) (قشیری، ۱۳۷۴: ۳۲) از اشراف علوی بود و امراء مکه را نقد می‌کرد، تا آن جا که در معرض آزار قرار گرفت و از وی خواستند که از مکه خارج شود . وی به نیشابور برگشت و در آنجا ادامه حیات داد. (خطیب بغدادی، ۱۴۰۵: ۱۳ )

اینکه راه رسیدن به هدف مذهبی مجاوران از طریق انجام فریضه حج و نیز مجاورت در مسجدالحرام حاصل می‌شد و این دو، مهم‌ترین انگیزه‌های ایشان در طلب علوم محسوب می‌شدند، خود، زمانی مغتنم برای دریافت خلوص معنوی و گریز از جامعه به قصد عبادت تلقی می‌گشت. برتر از اینها، آنچه در ایام مناسک حج بر ایشان فراهم می‌شد، دیدار شیوخ از مناطق گوناگون اسلامی بود که بهترین زمان در جهت یادگیری علوم و فرصتی ارزشمند برای تالیف به دست مجاوران فراهم می‌شد.

عتیق بن احمد بن عبدالرحمن اندلسی اریولی. (فریق عناد، ۲۰۱۸: ۴۹۱ ) وی در قرن پنجم هجری به مکه آمد و نزدیک به پنجاه سال در آنجا مجاور بود. در این مدت برپاکننده اذان در فقه مالکی در مسجدالحرام شد. (فاسی، ۱۴۰۵، ج۶ : ۱۵ ) ۲. ابو محمد عبدالله بن عمر بن علی بن خلف قیروانی معروف به ابن العرجا (د. ۴۹۷ق) (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۵ : ۴۰۱ ) که متولی امامت در مقام ابراهیم در مسجدالحرام و مجاور و از اصحاب ابی معشر طبری بود که قرائت قرآن را با لحن‌های مختلف نزد وی فراگرفته بود. وی از قیروان به مکه کوچ کرده بود. (فاسی، ۱۴۰۵، ج۵ : ۴۷۵) ۳. رزین بن معاویه بن عمار اندلسی سرقسطی (د. ۵۲۵ ق). (ابن بشکوال، ۱۹۵۵ : ۱۸۷) وی امامت مذهب مالکی را در حرم داشت و از هم عصران حسین طبری است. (فاسی، ۱۴۰۵، ج۴: ۲۰۰ ) صحیح مسلم را نزد وی و صحیح بخاری را نزد ابی ذر هروی فرا گرفت و تالیفاتی داشت از جمله کتابی نوشت که جمیع صحاح خمسه و الموطأ مالک بن انس بود و نیز کتابی در اخبار مکه نگاشت. (فاسی، ۱۴۰۵، ج۴: ۳۹۹ )

## نتیجه

سنت«مجاورت» در سده‌های نخست اسلامی به انگیزه دینی پاگرفت و رواج یافت و در طول دورهٔ میانه عالمان مجاور به یکی از گروه‌های عمده ساکن در مکه بدل شدند. شمار مجاوران در سده‌های یکم تا سوم هجری که هنوز شمار نومسلمانان در سرزمین‌های مفتوحه اندک بود، چشمگیر نبود، اما در سده‌های چهارم تا ششم هجری، بر تعداد مجاوران مکه افزوده شد. عالمان مجاور در مکه هم استادان و مدرسان و متولیان نهادهای آموزشی همچون مدرسه بودند و هم در رشد و گسترش دانش‌های اسلامی در این شهر سهم زیادی داشتند. عالمان مجاور ضمن پیوند با مردمان بومی مکه در فعالیت های اجتماعی از اداره شهر گرفته تا بازار و تجارت آن نقش داشتند. مسجدالحرام ، مأمن اصحاب و تابعین گشت. ازعهد خلفای راشدین به بعد مکانی مناسب در ارتباطات عمیق بین زائران و علما محسوب می شد. برخی منابع، انگیزه مذهبی را مهمترین انگیزه مجاوران دانسته اند، اما علل علمی- فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیز بسیار مهم بود. حاصل این تعاملات، پیدایش جنبش علمی عظیمی در زمینه پژوهش و تالیف علوم گوناگون و ضبط و نگاه داشت کتب علمی در علوم مختلف خصوصا علوم قرآنی در کنار پیشرفت جنبه های گوناگون فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بود.

## علماء مجاور مکه مکرمه در قرن ششم هجری

| ردیف | سال وفات | موطن | مناصب و آثار | نام | منابع |
|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | زنده در ۴۵۲ | بغداد | مجاور و خادم حرم شریف فقیه و عابد | حسین بن محمدالزینبی | فاسی، *العقد*، ۲۰۶/۴ |
| ۲ | ۵۱۳ یا ۵۱۴ | اندلس | شیخ بزرگ و اکبر مفتی های مکه صاحب *البیان* شاگرد: ابوبکر مخایی یمنی | زین بن عبداله یافعی . | ابن جوزی، ۳۲۱/۱۳ سبکی، ۸۶/۷ ابن العماد، ۴۳/۴، ۴۵ فاسی، *العقد*، ۴۸۱-۴۸۰/۴ |
| ۳ | ۵۱۹ | ایران | قاضی حرم شریف | قاضی عبدالملک بن ابی مسلم نهاوندی | باقاسی، *بلادالحجاز*، ۱۰۸ باقاسی، مکه و *مدینه*، ۱۸۶ |
| ۴ | ۵۲۱ | ایران | خادم حرم | عبدالجبار بن ابراهیم عبدری | فاسی، *العقد*، ۳۲۴/۵ |
| ۵ | ۵۲۴ | مغرب | عالم و عابد رُباط نشین بزرگ موحدان | لمهدیمحمدبن عبدالله بن تومرت مصمودی | صفدی، ۲۶۱/۳ ابن عماد، ۷۰/۴، ۷۲ |
| ۶ | ۵۲۵ | ایران | شیخ فاضل صالح محدث | محمدبن عمر البخاری حنفی | فاسی، *العقد*، ۲۲۷-۲۲۶/۲ باقاسی، مکه و *مدینه*، ۱۸۴ |
| ۷ | ۵۲۵ | اندلس | امام مالکی، نزیل مکه مؤلف: کتاب جمع *فیه مافیه الصحاح الخمسه* و *کتاب الموطأ* | رزین بن معاویه بن عمار عبدری الاندلسی *صحیح* بخاری را نزد ابی مکتوم آموخت | فاسی، *العقد*، ۳۹۹-۳۹۸/۴ ابن فرحون، ۱۱۸ ابن فهد، ۵۰۲/۲ نوال شریف، ۲۱۲ |

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| ۸ | ۵۲۸ | ایران | قاضی در حرم شریف | مظفر طاهر بن محمد شاگرد ابی اسحاق شیرازی | فاسی، *العقد*، ۵۱۶/۵<br>سبکی، ۱۱۴/۷ |
| ۹ | ۵۲۹ | ایران | دارای اجازه‌نامه، صاحب کتاب: *تاریخ نیشابور* مسئول و فقیه شافعی حرم | عبدالغافرین اسماعیل فارسی. در ۷۸ سالگی به نیشابور بازگشت | ابن العماد، ۹۳/۴ |
| ۱۰ | حدود ۵۳۰ | اندلس | مؤذن مالکیان در مسجدالحرام | ابوبکرعتیق بن احمد ازدی اندلسی الاریولی | ذهبی، *سیراعلام*، ۲۴۷/۲<br>فاسی، *العقد*، ۱۵/۶ |
| ۱۱ | ۵۳۰ | ایران | راوی صحیح مسلم به فارسی. استاد وی در اصول و تفسیر: ابوالقاسم قشیری | محمد بن فضل بن احمد صاعدی فراوی نیشابوری | ابن العماد، ۹۶/۴ |
| ۱۲ | ۴۶۷- ۵۳۸ | ایران | حافظ، ادیب، مدرس، مفسر، خطیب، لغت شناس<br>مولف: *اساس البلاغه*، *الکشاف*، *نوابغ الکلم*، *المستقضی فی امثال العرب* دارای اجازه تدریس سمعی و نوشتاری از حافظ ابوطاهر احمد بن محمد السلفی از اسکندریه | ابوالقاسم، محمود بن عمر زمخشری خوارزمی جارالله امام الکبیر | ابن خلکان، ۱۶۸/۵<br>فاسی، *العقد*، ۱۳۷/۷، ۱۴۹<br>حوفی، ۱۰۰-۱۰۱<br>یافعی، ۲۶۹/۳<br>ابن العماد، ۳۱۳<br>هیله، ۳۵ |

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| ۱۳ | ۵۴۵ | ایران | مدرسو مولف *تاریخ* مکه . از حافظ بن بشکوال اجازه نامه گرفت | محمدبن علی طبری | فاسی، *العقد*، ۱۵۲/۲ سخاوی، ۵۴۳/۲ |
| ۱۴ | ۵۴۸ | فرارود، ایران | امام حنفیان در حرم شریف محدث ،فقیه. | علی بن حسن بلخی حنفی | ذهبی، *سیراعلام*، ۲۷۶/۲۰ ذهبی، *العبر*، ۱۳۱/۴ ابن العماد، ۱۴۸/۴ یافعی، ۲۸۸/۳ |
| ۱۵ | ۵۵۰ | دانیه اندلس | او *جامع ترمذی* را در رباط امالخلیفه آموخت | احمد بن معد تجیبی در ۵۴۲ به شرق اسلامی رفت.شاگرد ابوالفتح کرومی | یاقوت حموی، *معجم‌البلدان*، ۴۹۰/۱، ۴۳۲/۲ فاسی، *العقد*، ۱۸۲/۳ دهام، ۲۶۷ |
| ۱۶ | ۵۷۳ | مغرب | مؤلف امام مالکی، فقیه، زاهد، سنن ابی داود را نزد ابی الصف یمنی آموخت | علی بن عبدالله الفاسی | ابن فهد، ۵۳۸/۲ باقاسی،*مکه و مدینه*، ۱۱۲ نوال شریف، ۵۹۹ |
| ۱۷ | زنده در ۵۷۵ ق | عراق | امام حنبلی محدث، حافظ، نویسنده، مدرس *دلائل النبویه* امام بیهقی | ابن طباخ بغدادی مبارک بن علی بن حسین بغدادی، وی *اخبار* مکه ازرقی را آموخت و تدریس می‌کرد. | ابن رجب، ۳۴۶/۱ فاسی، *العقد*، ۱۲۰/۷، ۱۸/۸ ذهبی، *العبر*، ۲۲۶/۴ ابن العماد، ۲۵۳/۴ سنیدی، ۵۴، ۷۴ |
| ۱۸ | ۵۸۰ | | فقیه حنفی – شارح: *الجامع الصغیر*شیبانی مولف: *الفتاوی و* | لنجم حسین بن محمد بن اسعد بن حلیم | ابن عدیم، ۲۷۴۵/۶، ۲۷۴۶ قرشی، ۱۲۶/۲- ۱۲۷ |

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| | | *الوقعات* | | | |
| ۱۹ | ۵۸۳ | ایران | اکبر خطباء مکه، قاضی، مدرس *سنن* ترمذی، مشهور به راوی باطل و کذاب، صاحب *الرحله*، *ایضاح*، *الروضه فی الرقائق* | عمر بن عبدالمجید بن عمر بن حسین عبدری میانشی | ذهبی، *العبر*، ۲۴۵/۴ فاسی، *العقد*، ۳۳۴/۶، ۳۳۶ دهام، ۲۲۳ ذهبی، *سیراعلام*، ۱۵۷/۲۱ |
| ۲۰ | ۵۸۵ | اندلس | مدرس | ابن رهبیل حسن بن محمد بن حسن انصاری بلنسی | ابن ابار، ۲۱۱/۱ - ۲۱۲ |
| ۲۱ | ۵۸۵ | | سرآمد در حساب، نجوم، منطق و زاهد، عالم، نزیل مکه | احمد بن عبدالرحمن بن وهبان | سخاوی، ۱۱۷/۱- ۱۱۸ دهام، ۱۷۹، ۲۴۹، ۲۰۳ |
| ۲۲ | مقتول در: ۵۸۷ | ایران (سهرورد) | احیاءکننده حکمت خسروانی مولف: *تلویحات*، *عقل سرخ*، حکمت *الاشراق*. | شهاب‌الدین یحیی بن حبش بن امیر ابوالفتوح سهروردی شیخ اشراق شیخ مقتول | ابن خلکان، ۴۴۶/۳ |
| ۲۳ | زنده در ۵۹۰ | ایران | امام مقام حنابله | محمد بن عبدالله هروی حنبلی | فاسی، *العقد*، ۵۲/۲ باقاسی، *مکه و مدینه*، ۱۱۳ |
| ۲۴ | ۵۹۰ | ایران | محدث | ابوالفتح محمد بن عبدالله سهروردی | فاسی*العقد*، ۵۳/۲ باقاسی، *مکه و مدینه*، ۱۱۳ |
| ۲۵ | ۵۹۲ | مغرب | امام مالکی، واقف کتب مالکی چون *المقرب*درحرم | محمد بن عبدالله مکناسی | فاسی، *العقد*، ۷۴/۲-۷۵ دهام، ۲۶۹ |
| ۲۶ | ۵۹۳ | شام، تاجر | ساخت و وقف | عفیف عبدالله بن | فاسی، *شفاء*، |

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| | | مصر | مدرسه ارسوفی والعفیف | محمد ارسوفی | ۵۹۸/۲ باقاسی، *مکه و مدینه*، ۹۲ |
| ۲۷ | ۵۹۶ | شام | دومین بانی رباط ارسوفی. وزیر صلاح‌الدین ایوبی، تاجر ثروتمند | قاضی فاضل عبدالرحیم بن علی بیسانی عسقلانی | سبکی، ۲۵۳/۴ ابن خلکان، ۱۶۲/۳ باقاسی، *بلاد الحجاز*، ۹۲ |
| ۲۸ | وفات بعد از: ۵۹۸ ق | ایران | محدث، معمر، مدرس قرائت حفص از عاصم . | محمدبن احمد بندار سجزی | فاسی، *العقد*، ۲۹۱-۲۹۰/۱ دهام، ۱۷۹ |
| ۲۹ | ۵۹۸ | ایران | مجاور عالم صوفی محدث | عبدالسلام بن محمد فخرومی الصوفی | فاسی، *العقد*، ۴۳۰/۵ |
| ۳۰ | ۵۹۹ | مغرب | فقیه، محدث اساتید او: قاضی اسحاق طبری- یونس هاشمی | علی بن خلف تلمسانی | ذهبی، *سیراعلام*، ۳۹۳/۲۱ فاسی، *العقد*، ۲۴۲/۵ دهام، ۱۹۹ |

## منابع


قرآن کریم

۱. آل سنه، خیریه محمد علی (۱۴۲۱). الحیاۀ العلمیۀ فی مکه المکرمۀ خلال القرنین الرابع و الخامس الهجریین، پایان نامه کارشناسی ارشد، ریاض، دانشگاه ملک سعود.

۲. آل مشاری، منی حسن (۱۴۰۹). المجاورون فی مکۀ و المدینۀ فی العصر المملوکی، پایان نامه کارشناسی ارشد، ریاض، دانشگاه ملک سعود.

۳. ابن ابی جمهور، محمد بن علی (۱۴۰۳). عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیته، به‌کوشش مجتبی عراقی، قم، نشر سید الشهدا.

۴. ابن اسحاق، محمد (۱۳۹۲). سیرت محمد رسول الله، ترجمه مسعود انصاری، تهران، مولی،ج۱.

۵. ابن اعثم، احمد (۱۳۷۲). الفتوح، ترجمه محمد مستوفی ، تهران، انقلاب اسلامی.

۶. ابن اثیر، عز الدین علی بن محمد (۱۴۰۳). الکامل فی التاریخ، بیروت، دار الکتاب العربی، ج۹.

۷. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۳). الخصال ، ترجمه فهری زنجانی، قم، اسلامی، ج۲و۱.

۸. ابن بشکوال، ابو القاسم خلف بن عبد الملک(۱۹۵۵). الصلۀ فی تاریخ أئمۀ الاندلس و علمائهم و محدثیهم و فقهائهم و ادبائهم، به کوشش ابراهیم الانباری، قاهره، دار الکتاب.

۹. ابن تغری بردی الاتابکی، جمال الدین ابی المحاسن یوسف(۱۳۴۸). النجوم الزاهرۀ فی ملوک المصر و القاهره، به کوشش احمد زکی العدوی، قاهره، دار الکتب المصریه.

۱۰. ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی (۱۹۹۲). المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، به کوشش محمد و مصطفی عطا، بیروت.

۱۱. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶). المسند، به کوشش‌شعیب الارناووط ، بیروت.

۱۲. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد (۱۳۶۸). العبر و دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۱۳. ابن خلکان، شمس الدین احمد بن محمد (۱۲۹۹). وفیات الاعیان وانباء ابناء الزمان،

قاهره، دار المعرفه، ج۴و۳.
۱۴. ابن دهیش ، عبد اللطیف بـن عبدالله(۱۴۱۵). الکتاتیـب فـی الحـرمین الشـریفین و مـا حولهما، مکه، مکتبه النهضه الحدیثیه.
۱۵. ابن رجب، عبد الرحمن بن احمد حنبلی (۱۳۷۳). الذیل علی طبقات الحنابلهٔ، بـه‌کوشـش محمد الفقی، قاهره، دار المعرفه.
۱۶. ابن سلام جمحی، محمد (۱۰۸۵). الاسلام و تاریخه من وجهه نظر اباضیه، بـه کوشـش ورنر شفارتز و سالم یعقوب، بیروت، دارالقراء.
۱۷. ابن ظهیره، محمد بن محمـد (۱۴۲۳). الجـامع اللطیـف فـی فضـائل مکـهٔ و بنـاء البیـت الشریف، به کوشش علی عمر، قاهره، مکتبهٔ الثقافهٔ الدینیهٔ.
۱۸. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب اندلسی(۱۹۸۳). الفهرس ، به کوشش محمد ابوالاجفان و محمد الزاهی، بیروت، دار الغرب الاسلامی.
۱۹. ابن عماد، عبد الحی بن احمد(۱۳۵۰). شذرات الذهب فی اخبار مـن ذهـب، بـه کوشـش محمود الارناووط، قاهره، دارالمعرفه.
۲۰. ابن فرضی، عبدالله بن محمد بن یوسف(۱۹۵۴). تاریخ العلماء و الرواهٔ للعلـم بالانـدلس، به کوشش کودیرا، قاهره، مؤسسه تالیف و ترجمه.
۲۱. ابن فهد مکی، نجم الدین عمـربـن‌محمـد(۱۴۲۱). اتحـاف الـوری باخبـار ام القـری ، بـه کوشش فهیم محمد شلتوت، مکه، احیاء التراث الاسلامی.
۲۲. ابن کثیر دمشقی، ابو الفداء عماد الدین الحافظ اسماعیل بن عمرقرشی(۱۳۵۰). البدایهٔ و النهایهٔ، به کوشش عبدالحفیظ سعد عطیه، قـاهره، المطبعـه السـعاده بجـوار محافظـهٔ المصر.
۲۳. ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی(۱۴۱۸). السنن، به کوشش فوآد عبـد البـاقی، بیـروت، دار الفکر للطباعهٔ و النشر.
۲۴. ابن هشام، ابـو محمـد عبـدالملک(۱۳۵۵). السـیرهٔ النبویـهٔ، بـه کوشـش مصـطفی سـقا، قاهره، دار المعرفه.
۲۵. ازرقی، محمد بن عبدالله(۱۳۵۷). اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، بـه کوشـش صـالح ملحس، مکه.
۲۶. ازهری، محمد بن احمد(۲۰۰۷). تهذیب اللغهٔ بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج۴.
۲۷. باقاسی، عایشه عبدالله عمر(۱۴۰۰). مکه و مدینه ، مکه، چاپخانه و نشر .

۲۸. بخاری، محمد بن اسماعیل الجعفی(۱۴۰۰). الجامع الصحیح ، قاهره، سلفیه، ج۳و۲.
۲۹. بروجردی، حسین طباطبایی(۱۴۲۲) جامع احادیث الشیعه، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، ج۱۱.
۳۰. بصری، حسن بن یسارۀ(۱۹۹۵). رسالۀ فی فضایل مکه و الترغیب بمجاورتها، ریاض، کتابخانه دانشگاه ریاض، کتب خطی قرن۱۳.
۳۱. بصیری، عباس (۱۴۰۰). اوضاع فرهنگی و اجتماعی حرمین شریفین در دوره ممالیک، تهران، مشعر.
۳۲. بلاذری، احمد بن یحیی(۱۹۵۹). انساب الاشراف، به کوشش محمد حمید الله، قاهره، دار العلم، ج۱.
۳۳. بلوی، شادیه عبدالرحمن(۲۰۱۷). «المجاورون فی مکه فی القرنین السابع و الثامن للهجره»، ریاض، دانشگاه ملک سعود، بخش تاریخ.
۳۴. بوتشیش، ابراهیم القادری(۱۴۳۳). «العلماء المجاورون بمکه: نموذج للمتقیات العلمیه بمکه فی العصر الوسیط»، ثقافتنا، العدد۳۳، صص۱۰۶-۸۹ .
۳۵. ترمذی، محمد سلمی(۱۴۰۳). الجامع الصحیح ، به کوشش احمد شاکر، بیروت، دار احیاء التراث، ج۳.
۳۶. توهامی، مکاتی(۲۰۱۲). « اثرالعلماءالمجاورین مغرب الاوسط فی مکه و مدینه فی علوم القرآن و علم الحدیث»، پایان نامه دکترا، الجزایر، دانشگاه ابوالقاسم سعد الله.
۳۷. جراعی، ابوبکربن زید (۱۴۰۱). تحفۀ الراکع و الساجد فی احکام المساجد، قم، کتابخانه‌علوم‌حدیث.
۳۸. جعفریان، رسول(۱۳۸۱). آثار اسلامی مکه و مدینه، تهران، مشعر.
۳۹. جوهری، اسماعیل‌بن‌حماد (۱۴۰۴). الصحاح، به کوشش احمدعبدالغفورعطار، بیروت، دارالعلم‌للملایین.
۴۰. حتی، فیلیپ خوری(۱۳۸۰). تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۱. حر عاملی، محمد بن حسن(۱۳۹۹). رسالۀ فی علۀ خلق الکافر، ترجمه حمزه مؤیدی، قم ، اعتقاد ما.
۴۲. حلبی، حمزه بن علی(۱۴۱۷). الغنیه النزوع الی علمی الاصول و الفروع، قم، امام صادق، ج۱.

۴۳. حوفی، احمد محمد (۱۴۰۴). الزمخشری، مصر.
۴۴. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی (۱۴۰۵). تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتاب العلمیه.
۴۵. دارمی، عبدالله بن عبد الرحمن(۱۴۱۶). مسند، به کوشش شعیب الارناووط، بیروت، الرسالهٔ، ج۳.
۴۶. درجینی، ابی العباس احمد بن سعید (۱۹۷۴). طبقات المشایخ بالمغرب، به کوشش ابراهیم طلای، الجزایر، قسنطنیه، ج۲.
۴۷. دهام، صفا بنت نزال(۱۴۲۸). المجاورون فی مکه و اثرهم فی الحیاهٔ العلمیهٔ، ریاض، دانشگاه امام محمد بن سعود.
۴۸. ذهابی، مجتبی، اکرم کرمعلی (مرداد۱۳۹۸). «واکاوی نقش سلجوقیان درتحولات سیاسی حج»، مجله میقات حج، دوره۲۷، شماره۱۰۸.
۴۹. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان(۱۴۰۸). تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، به کوشش بشار عواد معروف و دیگران، بیروت، موسسهٔ الرسالهٔ.
۵۰. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان (۲۰۰۴). سیر اعلام النبلاء، به کوشش حسان عبد المنان، لبنان، بیت الافکار الدولیهٔ، ج۸و۲.
۵۱. رافعی، عبد الکریم بن محمد قزوینی(۱۹۸۷)، التدوین فی اخبار قزوین، به کوشش عزیز الله العطاری، بیروت، دار الکتب، ج۲.
۵۲. رامیار، محمود(۱۳۴۶). تاریخ قرآن، تهران، اندیشه.
۵۳. رفیعی، حسین(۱۳۹۷). «رباط های مکه در قرون میانه اسلامی»، میقات حج، ش۱۰۴، صص۱۱-۳.
۵۴. زرکشی، بدرالدین محمد(۲۰۰۷). اعلام‌الساجد باحکام المساجد، به کوشش فضیلهٔ-الشیخ، قاهره، مجلس‌اعلای‌اسلامی.
۵۵. زیلعی، احمد عمر(۱۴۰۱). مکه و علاقاتها الخارجی ۴۸۷-۳۰۱ق، ریاض، ریاست امور کتابخانه.
۵۶. سباعی، احمد(۱۳۸۵). تاریخ مکه از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه، ترجمه رسول جعفریان، تهران، مشعر.
۵۷. سمهودی، علی‌بن‌عبدالله(۱۳۹۲). خلاصه الوفاباخبار دارالمصطفی، به کوشش محمد-محمودچگینی، مدینه، مکتبهٔ‌العلمیهٔ.
۵۸. سنیدی، عبد العزیز(۱۴۲۶). الحیاهٔ العلمیهٔ فی مکهٔ خلال القرن الثانی و الثالث

الهجریین، ریاض، کتابخانه ملک فهد.
۵۹. شهیدی، سید جعفر(۱۳۷۷). ترجمه نهج البلاغه، تهران، امیرکبیر.
۶۰. صفدی، صلاح‌الدین‌خلیل‌بن‌أیبک (۱۴۲۰). الوافی بالوفیات، به‌کوشش احمدالارناووط و ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث، ج۱۷و۱۱و۶.
۶۱. طبری، محب الدین احمد بن عبدالله بن محمد مکی(۱۴۰۳) . القری لقاصد ام القری، به‌کوشش مصطفی السقا، بیروت، دار الفکر.
۶۲. طبری، محمد بن جریر(۱۹۶۳). تاریخ الرسل و الملوک، به کوشش ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دار المعارف.
۶۳. عائض الردادی، حمد الجاسر(۱۴۱۶). من اسر العلم فی الحرمین الشریفین الاسره الطبریه المکیه، ریاض، دارالرفاعی، ج۱.
۶۴. فاسی، ابوطیب تقی الدین محمدبن احمد بن علی(۱۴۰۵). العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین، به کوشش فوآد السید، بیروت، مؤسسۀ الرسالۀ .
۶۵. فاسی، ابوطیب تقی الدین محمدبن احمد بن علی(۱۹۹۹). شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام، مکه، کتابخانه نهضت حدیث.
۶۶. فاسی، ابوطیب تقی الدین محمدبن احمد بن علی (۱۴۱۸) ، الزهور المقتطفه من تاریخ مکه المشرفه، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز.
۶۷. فریق عناد، وجدان (۲۰۱۸). « الحجاج الاندلسیون المجاورون فی مکۀ المکرمۀ فی عهد الموحدین»، مجله سر من رأی، کلیۀ التربیت ابن رشد، مجلد۱۴، عدد۵۴، صص۳۶۶-۳۴۵.
۶۸. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۹). القاموس المحیط، لبنان، مؤسسه تحقیقات تراث.
۶۹. قاضی عیاض، عیاض بن موسی الیحبی(۱۹۸۲). کتاب الغنیه، به کوشش ماهر زهیر جوار،بیروت، دارالغرب اسلامی.
۷۰. قاضی نعمان مغربی، نعمان بن محمد(۱۴۰۹)، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار، قم، انتشارات اسلامی.
۷۱. قسطلانی، احمد (بی تا). ارشاد الساری لشرح صحیح بخاری، به کوشش محمد خالدی، بیروت، دار الکتب علمیه، ج۱.
۷۲. قسطر، مناخیم (۱۳۹۶). الحیرۀ و مکه وصلتهما بالقبائل العربیۀ، ترجمه یحیی جبوری، بغداد.
۷۳. قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن (۱۳۷۴). الرساله القشیریه، ترجمه بدیع الزمان

فروزانفر، تهران، علمی-فرهنگی.
۷۴. قضاعی، محمد بن سلامه (۱۳۹۲). التکملهٔ قم، دار الحدیث، ج۲.
۷۵. قطبی، عبدالکریم (۱۴۰۳). اعلام‌العلماء العلام ببناء المسجد الحرام، به کوشش احمد محمد جمال، ریاض، دار الرفاعی.
۷۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، به کوشش علی غفاری، دار الاسلامیه.
۷۷. کنانی، عبدالعزیزبن یحیی (۱۹۹۸). الحیده و الاعتذار فی‌الرد من قال بخلق القرآن، به کوشش اسماعیل انصاری، دار غمار.
۷۸. مبارک امین (۲۰۰۱). «الرحله العلمیه الاندلسیه الی المشرق خلال القرن الهجری الخامس»، پایان نامه دکتری.
۷۹. مبارکی، فاطمه محمد(۲۰۱۶). «اثرالعلماءالمجاورین فی التأثیر علی الحیاه العلمیه و الاقتصادیه فی مکه فی العصرالمملوکی»، المجلة العلمیة لکلیة أصول الدین والدعوة بالزقازیق جامعة الأزهر، المجلد ۲۸، العدد۲.
۸۰. مراکشی، محمد بن محمد بن عبد الملک (بی تا). الذیل و التکملهٔ لکتابی الموصول و الصلهٔ، به کوشش احسان عباس و محمد بن شریفهٔ، بیروت، دار الثقافه.
۸۱. ملا خاطرعزامی، خلیل ابراهیم(۱۳۸۸). امیه النبی المصطفی، قم.
۸۲. ناصر خسرو قبادیانی، ابومعین حمیدالدین (۱۳۴۴). سفرنامه، به‌کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، انتشارات طهوری.
۸۳. نوال طلال الشریف ، عبدالله (۱۴۱۸). « الحیاهٔ العلمیهٔ فی بلاد الحجاز و علاقتها بمصر فی القرنین السادس و السابع الهجریین»، رساله دکتری، جده، دانشکده تربیتی دختران.
۸۴. هیلهٔ، محمد حبیب (۱۹۹۴). التاریخ و المورخون فی مکهٔ من القرن الثالث الهجری الی القرن الثالث العشر، مکه، مؤسسهٔ فرقان میراث اسلامی.
۸۵. یافعی، عبدالله بن اسعد بن علی (۱۳۹۰). مرآهٔ الجنان و عبر الیقظان فی معرفهٔ حوادث الزمان، بیروت، مؤسسه عالی مطبوعات، ج۳.
۸۶. یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۵۶). البلدان، ترجمه آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.